

فرهنگ جامع تماثل خاندهای ایران - جلد اول

استان آذربایجان شرقی

سیرشناسه:	حبیبیان، ناصر، ۱۳۵۹
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران / پژوهش و گردآوری ناصر حبیبیان، غزال رحمان پور؛ [برای] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل امور هنرهای نمایشی، انجمن هنرهای نمایشی ایران.
مشخصات نشر:	تهران، انتشارات نمایش، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری:	ج. : مصور (رنگی)، جدول (رنگی)؛ ۲۹×۲۲ س.م.
شابک:	دوره : ۸-۰۰۰-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸ : ۳۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۱-۵ : ۰۱-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸ : ۱۷۰۰۰۰ ریال، ج. ۲-۲ : ۰۲-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸ : ۱۷۰۰۰۰ ریال، ج. ۳-۹ : ۰۳-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸ : ۴۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۴-۶ : ۰۴-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸ : ۲۰۰۰۰۰ ریال، ج. ۵-۳ : ۰۵-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
مندرجات:	ج. ۱. استان آذربایجان شرقی. - ج. ۲. استان آذربایجان غربی. - ج. ۳. استان اردبیل. - ج. ۴. استان اصفهان. - ج. ۵. استان البرز
موضوع:	تماشاخانه‌ها - ایران
موضوع:	Theaters -- Iran
شناسه افزوده:	رحمان پور، غزال، ۱۳۶۰
شناسه افزوده:	ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل امور هنرهای نمایشی
شناسه افزوده:	انجمن هنرهای نمایشی ایران
رده بندی کنگره:	۱۳۹۷ ۲۳ الف NA ۶۸۴۰ /
رده بندی دیویی:	۷۲۵/۸۲۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۵۳۰۱۶۹۶

نمایش

انتشارات نمایش

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران - جلد اول، (استان آذربایجان شرقی)

پژوهش و گردآوری: ناصر حبیبیان، غزال رحمان پور

زیر نظر: جلال تنگی

مدیر هنری: مسعود نوروزی

عکس: غزال رحمان پور

گروه مهندسی نقشه: ایمان غلامی‌نژاد، علی اکبر ردایی، لایلا اسفینی فراهانی، امید قهرمانلویی

دیجیتال و رایانه: میثم صفوی

ناشر: انتشارات نمایش

تیراژ: ۱۰۰۰

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ کوثر

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۸-۰۰۰-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸

شابک: ۵-۰۱-۶۲۲-۶۲۴۴-۹۷۸



انجمن هنرهای نمایشی ایران



تماشاگاه دان عالم سراسر
تماشائی بکن از وی تو بگذر
عطار

مقدمه

«طناتر» و معماری از هم سوا نیستند. «طناتر» مکانی برای دیدن و تماشا است. غفلت از معماری طناتر، غفلت از ذات طناتر است. بی‌توجهی به مکان اجرا، طناتر را از هویت و معنای خود خواهد کرد. افزون بر این، معماری امروز ما و مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنیم جلوه و عرضه‌ای از شیوه زیست و اندیشه ماست. بی‌ریشه بودن بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های طناتر معاصر ایران، تحلیل بی‌دقتی و سهل‌انگاری نسبت به واقعیت‌های موجود است. در نبود داده‌های دقیق و جزئی‌نگر، اساس تحلیل‌ها چه مبنایی خواهد داشت و در چنین وضعی چگونه می‌توان درباره آسیب‌شناسی یا ساماندهی طناتر کشور سخن گفت؟ برای درک وضع موجود طناتر، و یا هر چه غیر طناتر، جز رفتن، دیدن، جستن و فیش‌برداری‌های منظم چه می‌توان کرد؟! غفلت از کار، «پراکسیس» مشاهده و حضور، کار طناتر را به بیراهه می‌کشد. اساس این پژوهش بر مطالعه میدانی، داده‌پردازی و طبقه‌بندی است که یکی از اهداف اصلی آن کمک به شناخت شمایل راستین طناتر معاصر ایران است.

فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران تا کنون در ۲۲ جلد شامل استان‌های کشور، صورت‌بندی شده و اینک، خوشبختانه یک به یک به زینت طبع آراسته می‌گردد. کار پژوهش این فرهنگ، بر اساس مشاهده و بازدید حضوری و ثبت و تحلیل امارات اطلاعات تالارهای نمایش در این استانها صورت گرفته است. نمونه این نوع پژوهش و شبیه به این، در کشورهای پیشرفته و صاحب‌تئاتر، متداول و مرسوم است و انجام این کار نیز، به آن تجربیات، نگاهی گسترده شده است. امیدواریم کار چند استان باقی‌مانده نیز بزودی انجام و حاضر گردد. همچنین چون وضعیت تماشاخانه‌ها از نظر مکانی و تجهیزات، در تغییر و تحول است، لازم است تا در فواصل منظمی چون شش ماهه یا یکساله، این داده‌ها به روزآوری گردد.

۱

منشأ معماری و ساخت تالارهای موسوم به «چند منظوره» با اینکه اروپایی است اما در معماری ایران شکل و هیكلی تقریباً متفاوت از آن منظور یافته است. سالن چند منظوره به نوعی از معماری اشاره دارد که ملهم از معماری تالارهای قاب‌عکسی و پروسنیوم ایتالیایی است. این تالارها تنها برای اجرای تئاتر ساخته نمی‌شود و سخنرانی، مراسم تودیع معارفه، جنگ و مناسبت‌ها، جشن و همایش و اجتماعات هم در آن بطور گسترده برگزار می‌شود. در گذشته و در اصل مضیفه بوده و امکانات باعث بوجود آمدن چنین شکلی در معماری شده است اما باید اذعان داشت امروزه توجه بیشتری در دستور ساخت تالارها به جای صحنه‌های قاب‌عکسی، علاوه بر صرفه اقتصادی کارایی موثرتری در پی خواهد داشت.

تالارهای بلک‌باکس، به دلیل ایجاد ارتباط بی‌تفاخر و امکان چیدمان‌های وسیع‌ترشان برای طراحی صحنه، بسیار مورد توجه و استقبال هنرمندان هستند. علاوه بر این بلک‌باکس‌ها می‌توانند کارکرد چند منظوره هم داشته باشند و پاسخگوی نیاز برنامه‌های غیرتئاتری هم باشند. این امر برای ساخت بلک‌باکس‌ها به مراتب زمان و هزینه کمتری صرف می‌شود و برای هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگی هم کارایی بسیار بیشتری دارد. در حال حاضر به نظر می‌رسد درصد تالارهای ساخته شده دولتی در کشور بصورت قاب‌عکسی هستند.

۲

تکیه دولت، نخستین تماشاخانه به شیوه جدید در ایران است که سال ۱۲۵۱ خورشیدی تأسیس شد. شش سال پس از آن، در سال ۱۲۵۷، تماشاخانه دارالفنون گشایش یافت. تئاترهایی که به سبک فرنگی اجرا می‌شد به هیچ وجه تماشاگر عام نداشت و تنها برای دربار و شاه اجرا می‌شد. مقارن همین زمان ارامنه تبریز، تهران و رشت هم در ساخت و بنای مکان‌های نمایشی پیشگام شدند اما همچنان تماشاگران آنها شامل عموم مردم نبود. هنگامه انقلاب مشروطه اجرای تئاتر در پارک و باغ و محوطه‌های باز بیش از پیش رونق گرفت. انقلابیون تئاتر را به میان عموم مردم کشاندند و از این پس تماشاخانه‌های خصوصی موج تازه‌ای از اجراهای تئاتر را پدید آوردند. تئاترهایی که تماشاگرانی از طیف‌های گسترده بدان راه یافته بود.

تأسیس «سالن تئاتر آرمیان» تبریز توسط موسیو آرمیان، «تئاتر ملی» در تهران توسط محقق‌الدوله، «تالار آوادیس» در رشت توسط آوادیس هوردانانیان مورد توجه و استقبال خاص و عام قرار گرفت. غیر از موارد معدودی، تا دههٔ چهل صاحبان تماشاخانه‌ها عموماً دولت و حاکمیت نبود و روند ساخت و ساز و تأسیس تماشاخانه‌ها بطور خصوصی ادامه داشت. با اینحال گاهی حمایت‌های پراکندهٔ دولتی از بعضی تماشاخانه‌ها صورت می‌گرفت. اما برای نخستین بار سال ۱۳۴۴ خورشیدی تماشاخانه سنگلج (۲۵ شه‌ریور) توسط دولت ساخته شد و حتی هنرمندان و عواملی هم به عنوان کارمند به استخدام آن درآمدند. از این زمان هم شکل جدیدی از تئاتر و هم رویه تازه‌ای از تماشاخانه‌سازی در ایران بوجود آمد. نسل جدیدی از نماینده‌نویسان، کارگردانان و بازیگران پا به عرصه گذاردند و متناسب با آن معماری تازه‌ای هم در سر و شکل تئاتر قوام یافت. تماشاخانه سنگلج هنوز هم جزو معماریهای کم‌نظیر تئاتر ایران است که معمار آن مهندس یوگنی آفتان‌دیلیان بود. او بعدها دو تالار مهم دیگر هم ساخت: تالار وحدت (رودکی) و تالار فخرالدین اسعد گرگانی (تئاتر گرگان). روند ساخت و ساز تئاترهای دولتی با تأسیس اداره تئاتر، تئاتر شهر و کارگاه نمایش ادامه یافت اما از سویی دیگر تئاترهای خصوصی بیشتر در انحصار برنامه دسته‌جات و گروه‌های موسوم به لاله‌زاری و کاباره‌ای درآمده بود. با وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی، تئاتر و تماشاخانه‌ها کمتر مجالی برای استقبال عموم یافت. این وضعیت تا چند سال بعد و بازسازی ویرانه‌ها هم ادامه یافت. در این مدت و طی دهه ۶۰ و ۷۰ برگزاری جشنواره تئاتر فجر سهم بسزایی در رونق و حیات تئاتر داشته است. چند سالی است که روند ساخت و ساز تماشاخانه‌های خصوصی و دولتی سرعتی بیش از گذشته یافته است.

بیش از ۹۰ درصد یافته‌های این پژوهش، میدانی است و باقی آن با مراجعه به اسناد و کتابخانه‌ها و مراجع معتبر تهیه شده است. یافته‌ها شامل معرفی کلیه آمفی‌تئاترها و سالن‌های موجود در شهرهای مختلف ایران است که بصورت فعال و یا غیرفعالند که در حال حاضر در دسترس عموم قرار دارند و یا دسترسی به آن برای عموم ممکن است و به ویژه قابلیت اجرای تئاتر در آن. این معرفی به انضمام نقشه تماشخانه‌ها، اطلاعات رقمی هر سالن و تصاویر از نماهای عمومی و جزئی آن است. این امکان معمولاً زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری، آموزش و پرورش، بخش خصوصی و یا نهادهای دانشگاهی هستند. اما غیر از این، نهادهایی دیگر نیز بعضاً واجد سالنهایی برای اجرای تئاتر هستند؛ نهادهایی غیر هلال احمر، سپاه، بسیج، استانداری و فرمانداری. عموم امکانی که در شهرهای مختلف مشهور به اجرای تئاتر هستند و گروه‌های تئاتری در آن اجرا داشته‌اند زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارند و از این نظر این پژوهش دربرگیرنده اطلاعات دقیق تمامی این امکان است. پس از این شهرداری‌ها و آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی به ترتیب در اولویت موضوع قرار دارند. به دلیل آنکه سالنهای زیرمجموعه آموزش و پرورش و اماکن دانشگاهی عموماً برای استفاده دانش‌آموزان و دانشجویان به هر چه که باشد در دسترس دیگر نهادها و عموم مردم به آنها کمتر امکانپذیر است. با این وجود این نهادها نیز چنانچه آمفی‌تئاترهایشان واجد امکانات موثری بوده مانع پژوهش و مطالعه نگردیده و از قلم نیفتاده‌اند. به سخن دیگر، گرچه پژوهش حاضر دربرگیرنده اطلاعات جامع تمامی تالارهای فعال در زمینه نمایش کشور است با اینحال بسیاری موارد از تالارهای غیر فعالی که امکان تهیه اطلاعات جامع و دقیق از آنها وجود داشته نیز غفلت نشده و به گستردگی پژوهش افزوده است.

گزارش‌ها درباره معماری، ابزار و وسایل کاملاً با دقت ثبت شده و به وضوح ثبت شده است که در همان روز و ساعت بازدید مشاهده شده است. مثلاً مواردی نظیر تعداد پرژکتورهای شبکه نورخان و یا منابع نوری سالم همواره در معرض تغییر است. به همین دلیل موقتاً در دسترس نبوده باشد. به همه این موارد اشاره شده و هدف این بوده تا تصویری شفاف از همان وضعیت مشاهده شده به نظر مخاطب برسد. اما هر بخش مقدمه‌ای مبسوط درباره حفظ و نگهداری و راهنمای تماشخانه‌ها و اصطلاحات معمول آمده است. پس از آن مقدمه‌ای کوتاه درباره موقعیت جغرافیایی استان و وضعیت تئاتر و تماشخانه‌های آن، فهرست تالارهای هر استان، چه فعال و چه غیرفعال، آمده که این فهرست بر اساس حروف الفبا به ترتیب نام شهرستانها منظم شده است. در هر فهرست ردیفهایی که با رنگی، غیر از رنگ زمینه برجسته شده نشان دهنده آن است که در صفحات بعد بطور مشروح و مبسوط بدانها پرداخته شده و این یعنی تماشخانه‌های فعال و همچنین عموم تالارهایی که پیش از این فعال بوده‌اند و یا قابلیت فعالیت دارند اما تا کنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و در این زمینه بتانسیل‌های بالقوه محسوس می‌شوند. اطلاعات جامع هر تماشخانه شامل چهار بخش است: داده‌های توصیفی، رقمی، تحلیلی، کلی و جزئی هر تالار. در عکاسی از فضاهای داخلی و خارجی برای آنکه تصاویر به تماشاییان، دید طبیعی چشم انسان، نزدیک‌تر باشد و ماهیت مستند گونه آن حفظ شود از لنز واید بهره‌یز شد و برای عموم تصاویر از لنز نرمال استفاده گردید. تصاویر پس از تماس با کلر و جزئی و زوایای مختلف تالار تماشاش و صحنه، سقف صحنه، اتاق فرمان، سقف سالن تماشاش، سالن انتظار و نمای بیرون تالار، بالکن، پشت صحنه و امکانات فنی است. تصاویر هر جزئی هم عموماً این اطلاعات قابل مشاهده و برداشت خواهد بود: پوشش کف و دیوارها، اتاق گرم و فضاهای اضافی پشت صحنه، موقعیت اتاق فرمان، موقعیت در سالن، پرتو پخش و پرده نمایش، موتور مکانیکی پرده، چیدمان صندلی و مبلمان تالار، سیستم خنک‌کننده و گرمایش، تجهیزات آتش‌نشانی، پلکان سن، راهروهای سالن تماشاش، دیمر نور و میکسر صدا و امکانات خاصی نظیر درب ویژه دکور و راهروی پشت صحنه؛ نقشه ترسیم تالار و پلان شماتیک هم بخشی دیگر از اطلاعات تصویری است. نقشه ترسیمی، بیشتر به مراد استفاده کنندگان اهل هنر تهیه شده تا مثلاً به طور ویژه معماران و مهندسان عمران. پلان شماتیک هم برای معرفی کلیت فضای صحنه و تالار و ورود و خروجها آورده شده. پلانهایی که ترسیم شده، عموماً پلانهایی است که با مراجعه حضوری گروه پژوهش در داخل تالار برداشت شده و این با نقشه معماری ساختمان و یا تالار ممکن است تفاوت داشته باشد. نقشه معماری در اینجا منظور نقشه‌ای است که ساختمان یا تالار بر اساس آن ساخته شده است. این نقشه‌ها ممکن است توسط پیمانکاران، بنا بر ملاحظات، هنگام ساخت بنا، بطور دقیق، اجرا نشده باشد. بنابراین اندازه‌ها و ابعادی که پلانهای این کتاب بر اساس آن ترسیم شده مربوط به پس از ساخت و احداث سالن است و بر اساس وضعیت موجود و شکل فعلی و اجرایشده تالارهاست. در مواردی نظیر تالار فخرالدین اسعد گرگانی به واسطه ارزش تاریخی و دقت کم‌نظیر معماری آن، همان نقشه و پلان اصلی معماری آورده شده است.

تا کنون اطلاعاتی با جامعیت و به صورت طبقه‌بندی شده از تماشخانه‌های کشور وجود نداشته است. تنها کتاب در این زمینه همان «تماشخانه‌های تهران از ۱۲۴۷ تا ۱۳۸۹ خورشیدی» بوده است که توسط انتشارات افراز، ۸ سال پیش منتشر شد. در به ثمر رسیدن این اثر، تلاش گروه مهندسان نقشه و دقت چشم‌فرسای مسعود نوروزی در گرافیک و صفحه‌آرایی سه‌می به‌سزا داشته است. در همه مراحل انجام کار، نگاه دقیق و شکیبای آقای جلال تجنگی همراه اثر و گروه پژوهش بوده و بسیار مؤثر واقع شده است. لطف بی‌مضایقه مجید داخ در تهیه فهرست اولیه تالارها بسیار کمک‌رسان بود. انجام این پژوهش اگر با حساسیت و درایت آقای مهدی شفیعی، مدیر کل سابق هنرهای نمایشی نبود، شاید هیچگاه به ثمر نمی‌رسید. آقای ارمان بهداروند؛ مدیرعامل سابق انجمن هنرهای نمایشی ایران و آقای اتابک نادری؛ مسئول امور استانهای اداره کل هنرهای نمایشی سنگ تمام گذاشتند. در به نتیجه رسیدن این اثر، همراهی صمیمانه آقای شهرام کرمی، مدیر کل هنرهای نمایشی ایران و حمید نیلی مدیرعامل فعلی انجمن هنرهای نمایشی ایران بسیار راهگشا بوده و هست. و با سپاس فراوان از مهدی حاجیان، لیلی غفاری، علی ایزدی، لیل پاشاپور، فاطمه عزتی‌نژاد، جواد مستخدمی، لیل مینایی، فاطمه عسگر بیوکی، روح‌اله ایرجی و قردرانی از آقای نصراله قادری، مدیر انتشارات نمایش و آقای علیرضا لطفعلی و سایر همکاران محترم این انتشارات که در چاپ و نشر این اثر، بی دریغ کوشیدند.